

بررسی متون پهلوی غیردینی در ادبیات عصر ساسانی

دکتر حمیدرضا عبدالمحمدی*

پوریا اسماعیلی**

محمدرضا بیگی***

چکیده

نثر فنی در روزگار ساسانیان (۶۵۲-۲۲۶ م.) موضوعات گوناگونی را شامل می‌شود که آثار مذهبی و کتب غیردینی تاریخ ایران را دربردارد. در این مقاله سعی شده‌است متون پهلوی غیرمذهبی در ادبیات عصر ساسانی به‌اختصار موردبررسی قرار گیرد، تا بدین‌طریق بخشی از تاریخ ادبیات و فرهنگ ایران‌زمین در دوران ساسانی مشخص شود، بنابراین به آثار زندگانی و سیرت پادشاهان و داستان‌های پهلوی ایران‌شهر و همچنین منابع حقوقی، فرهنگی و اجتماعی آن دوره پرداخته شده‌است.

کلیدواژه‌ها: تاج‌نامگ، خودای‌نامگ، گاه‌نامگ، مادیان ای هزار دادستان، یادگار زیریران.



نمایه پارسی

شماره ۵۵ زمستان ۱۳۸۹

۱۴۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

** کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی از دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین و مدرس گروه تاریخ دانشگاه پیام‌نور هرسین.

*** عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه پیام نور هرسین

(این مقاله از طرح پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه تحت‌عنوان زبان و ادبیات ایران در روزگار ساسانیان و تأثیر آن بر آثار نویسندگان و شعرای عرب در عصر نخست خلافت عباسیان (۲۳۲ - ۱۳۲ ه.ق) که مجری آن دکتر حمیدرضا عبدالمحمدی

می‌باشد، استخراج شده‌است.)

مقدمه

در این مقاله متون پهلوی غیردینی در ادبیات عصر ساسانی مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است، دلیل انتخاب عنوان مقاله این است که موضوع نامبرده از عمده ترین عوامل در فرهنگ و تمدن ایرانشهر به شمار می رود.

آثار این دوره که به خط و زبان پهلوی نوشته شده، نسبتاً زیاد است و به دو بخش مذهبی و غیرمذهبی تقسیم و طبقه بندی می شود که مروج آن دبیران و روشن فکرانی بودند که بعدها راهی را برای کتابت اسلامی گشودند. طبقه دبیران جایگاه و منزلت ویژه ای داشتند و هم نشین پادشاهان ساسانی بودند و بر زندگی عمومی جامعه تأثیر می گذاشتند. پس شگفت نیست که چنین حجم زیادی از نثر فنی، که به یادگار مانده، حاصل تلاش این قشر فرهیخته باشد، به طوری که آثار و کتب بسیاری را در سیرت شاهان و داستان های پهلوی حماسی پدید آوردند و به اندرز آنها پرداختند و آئین و آداب کشورداری را نقل کردند که در جای خود بدان می پردازیم.

بدین ترتیب نظام دیوان سالاری آن دوران نقش به سزایی در شکوفایی فرهنگ و تمدن ایران زمین ایفا کرد، که ساختار اجتماعی و سیاسی آن در متون ادبی پهلوی مشهود است، بنابراین در این نوشتار سعی شده است با استفاده از پژوهش کتابخانه ای و روش توصیفی و تحلیلی پیرامون مسائل یادشده، با دقت تحقیق شود، تا بدین طریق گوشه ای از تاریخ ادبیات و فرهنگ ایران در روزگار ساسانیان مورد تفحص قرار گیرد.

نگاهی به عصر ساسانیان

مهد رستاخیز ایران دستاورد یک سلسله پادشاهی جدید در ایالت پارس بود؛ ناحیه ای باستانی در جنوب غربی که هزار سال پیش نخستین قبایل آریایی در آن مستقر شده بودند. تاج و تخت شاهنشاهی ایران در اختیار سلاله ای از پادشاهان ملی قرار گرفت که با نفی چنین امتیازی برای اشکانیان، خود را اعقاب هخامنشیان و تنها وارثان مشروع سلطنت این خطه پهنور نامیدند.

شورش و اختلالی که در آغاز سده سوم میلادی در ایالت پارس حکم فرما بود، انحطاط قدرت اشکانیان را در آن عهد آشکار می‌سازد، بدین ترتیب اردشیر، پسر بابک، با غلبه بر اردوان پنجم، آخرین پادشاه اشکانی، قدرت خویش را بنیان نهاد و سلسله ساسانی را به سال ۲۲۶ م. پایه‌گذاری کرد؛ به طوری که تا چندین قرن با اقتدار بر ایران حکومت راندند و سرانجام پس از کشمکش‌های مسلمانان در سال ۶۵۲ م. از میان رفتند.

در مدت چهار قرن شرایط زندگانی عمومی و اداری کشور دست‌خوش تغییرات گوناگون شد. تشکیلات ویژه‌ای در جامعه پدیدار گشت که بر چهار طبقه روحانیون (اثرن)، جنگاوران (ارتیشتاران)، مستخدمان ادارات (دبیران) و توده ملت (روستاییان یا واستریوشان)، و همچنین صنعتگران (هوتخشان) مبتنی بود.^۱

هریک از این طبقات به چندین بخش تقسیم می‌شد، همانند طبقه روحانیون که قاضی (دادور) مغان، موبدان و هیربدان را دربرداشت، یا طبقه جنگاوران که به دسته‌های سواره و پیاده تقسیم شده و ارکان سلطنت را تشکیل داده بودند. پس از آنان طبقه مستخدمان ادارات؛ یعنی منشیان، محاسبان، نویسندگان احکام محاکم و نویسندگان اجاره‌نامه‌ها و قراردادهای پزشکان و منجمان قرار داشتند. نفوذی که دبیران در ایران داشتند بسیار مهم است. ایرانیان همواره آراستگی صورت و ظاهر امور را مهم می‌شمردند. اسناد رسمی و نامه‌های خصوصی همیشه به صورت متنوع و سبک مقرر تحریر می‌شد. در این نامه‌ها نقل بزرگان و نصایح اخلاقی و پندهای دینی و اشعار و لطائف و امثال آن وارد می‌شد و مرتبه نویسندگان را در طرز استعمال کلمات رعایت می‌کردند؛ همان عبارت‌پردازی و تصنعات ادبی که در اغلب آثار پهلوی و در اکثر بیانات پادشاهان هنگام جلوس مشاهده می‌شود و همچنین در مکاتباتی که زمامداران بزرگ دولت ساسانی فی‌مابین خودشان، یا با دول بیگانه داشتند، آشکار است.^۲

نظامی عروضی در چهار مقاله می‌نویسد:



«پیش‌ازاین درمیان ملوک عصر و جبارۀ روزگار پیش، چون پیشدادیان و کیان و اکاسره و خلفا رسمی بوده‌است که مفاخرت و مبارزت که به عدل و فضل کردندی و هر رسولی که فرستادی از حکم و رموز و لغز مسائل با او همراه کردندی و دراین حالت پادشاه محتاج شدی به ارباب عقل و تمیز و اصحاب رأی و تدبیر و چند مجلس نشستندی و برخاستندی تا آنگاه آن جواب‌ها بر یک وجه قرار گرفتی و آن لغز و رموز ظاهر و هویدا شدی ... پس‌ازآن مقدمات نتیجه همی‌آید که دبیر عاقل و فاضل مهین جمالی است از تجمل پادشاه و به‌همین رفعتی است از ترفع پادشاهی.»^۳

بدین ترتیب دبیران از مهم‌ترین اصناف بودند و مکاتبات دولت را دراختیار داشتند و فرامین سلطنتی را انشا و ثبت می‌کردند. خوارزمی در *مفاتیح العلوم* دبیران دولتی را چنین می‌شمارد: ۱- داد دبیره (نوشتن احکام)، ۲- شهر آمار دبیره (نوشتن درآمد کشور)، ۳- کدگ آمار دبیره (نوشتن حساب‌های کاخ شاهی) ۴- گنج آمار دبیره (نوشتن حساب خزانه)، ۵- آخور آمار دبیره (نوشتن حساب اصطبل‌ها)، ۶- آتش آمار دبیره (نوشتن حساب آتشکده‌ها)، ۷- روان‌کاوان دبیره (نوشتن حساب موقوفات).^۴

ابن قتیبه نیز آنان را ممتاز می‌داند و دارای چشم و گوش‌های هوشیار و زبان‌های راست‌گفتار می‌پندارد.^۵

درنهایت نویسندگان در دامان پادشاهان بر جامعه ایران تأثیر نهادند، پس شگفت نیست که حجم زیادی از نثر فنی که پا برجا مانده حاصل تلاش آنان است.

پس‌از دبیران، طبقه توده‌ملت قرار داشت که تجار، فلاحان، دهگانان، سوداگران و پیشه‌وران را شامل می‌شد. این امر تشکیلات طبقاتی جامعه ساسانی را نشان می‌دهد؛ بنابراین نظام اداری و دیوان‌سالاری آن دوران نقش به‌سزایی در شکوفایی فرهنگ و متون ایران‌زمین ایفا می‌کرد که ساختار اجتماعی و سیاسی آن در آثار ادبی و متون پهلوی ایرانشهر نمایان است.

متون پهلوی غیر مذهبی

نثر فنی در روزگار ساسانیان موضوعات گوناگونی را دربردارد؛ بنابراین با استناد به متون پهلوی، ترجمه‌ها و قطعات پراکنده و همچنین پیرامون کتبی که در منابع ادبی و تاریخی عرب از آن یاد شده می‌توان بدین شرح طبقه بندی کرد:

- ۱- کتاب‌های مذهبی،

- ۲- متون پهلوی غیر مذهبی شامل آثار تاریخی زندگانی شاهان و داستان‌های پهلوانی،
- ۳- مجموعه‌های حقوقی، اجتماعی و فرهنگی تاریخ ایران، که این آثار به زبان پهلوی جنوبی یا ساسانی نگاشته شده‌است، که در آن واژه‌های آرامی به حالت خاصی وارد شده؛ یعنی برخی از الفاظ را به آرامی می‌نوشتند، اما در هنگام خواندن به واسطه ترجمه‌ای که در ذهن می‌کردند کلمه ایرانی آن را به زبان جاری می‌ساختند و این کلمات را اوزوارشن می‌نامیدند، که از چهارصد واژه تجاوز نمی‌کرد.^۶

در این مقاله سعی شده‌است کتب پهلوی غیر مذهبی بادقت موردتحقیق و بررسی قرار گیرد، تا ابعاد مختلف آن روشن شود.

الف: منابع تاریخ زندگانی پادشاهان و داستان‌های پهلوی ایران

این موضوع از نظر حجم و نثر ادبی پس از متون مذهبی قرار دارد. پارسیان در آثار خویش بدان پرداختند و شرح حال پادشاهان و کردار قهرمانان را موردتفحص قرار دادند تا آینده‌گان از فواید آن بهره‌مند شوند و آن را سرلوحه کار خویش قرار دهند و از پندها و اندرزهای گذشتگان عبرت گیرند و حکمت و ادب و معرفت را بیاموزند. جاحظ در *البیان و التبیین* می‌گوید: «هرکه جویای خرد، ادب، دانش، پند، مثل، سخن ارجمند و معانی والاست به سیر الملوک بنگرد».^۷

با بیان این مطالب به معرفی آثار ادبی عصر ساسانی می‌پردازیم:

۱- خودای نامگ:^۸

این اثر ارزشمند در زمان یزدگرد سوم نگاشته شد و در دوران خلافت عباسی، روزبه، پسر دادبه، دانشمند شهیر قرن دوم هجری (معروف به ابن مقفع)، به عربی به نام سیر



الملوک الفرس ترجمه کرد و پس از او مترجمان و نویسندگان دیگر از روی ترجمه وی اقتباس کردند، که بسیاری از آنها حتی از اصل پهلوی این کتاب گران بها از میان رفته است.

معنای اصلی خدای (خوتای) در زبان فارسی یک باره متروک نماند؛ بنابراین خوتای؛ یعنی شاه و نامگ هم همانست که امروز مانند بسیاری از کلمات پهلوی (یامک یا جامه، شتک = شده در ترکیب بشتک بخت و ...)، کاف حذف شده و با الحاق هاء حرکت، نامه نگاشته می شود، پس خوتای نامگ معادل شاهنامه است.^۹

خدای نامه، کتابی بود در تاریخ و سیر ملوک ایران، از کیومرث تا پادشاهان اخیر ساسانی، که در آن قصص و روایات و داستان های ملی، مذهبی، اخلاقی و حقایق تاریخی راجع به اغلب شاهان ساسانی گرد آمده و به هم آمیخته بود. این روایات به تدریج کمال یافت و برخی از اساطیر مذهبی نیز بر آن افزوده شد و سلسله شاهان و پهلوانان ترتیب و تنظیم یافت و نسب نامه هایی پدید آمد، به طوری که قابل تدوین در متون تاریخی شد.^{۱۰} بعضی از داستان های غیر ایرانی، همانند شرح و بیان حال اسکندر هم بدان اضافه و در باب اشخاص تاریخی، همچون اردشیر بابکان افسانه هایی نقل شده است. در این کتاب به صحت انساب سلاطین توجه شده و روایات آن همه جا با مبالغه و افکار حماسی همراه است، باین حال مطالعه آن می تواند مفید باشد. ابن اثیر از تأثیر این مطالعه بر اصلاح سیاست ها و تثبیت پایه های اقتدار شاهان چنین می گوید:

«از فواید این خواندن، آن بود که شاهان و فرمانروایان چون در آنها (=کتاب های تاریخ) بر احوال شاهان ستم پیشه آگاه می شدند و بی داد آنان را ثبت شده در آثار، جاری بر زبان ها می دیدند که چگونه دهان به دهان نقل می شود و می فهمیدند که آن ها در روزگار خویش به انواع بلا یا گرفتار شدند و از آن پس به بدی و زشتی از ایشان یاد گردیده، دست از چنان رفتاری می شستند و آن را کنار می نهادند و چون کردار والیان دادگر و نیک نهاد را می خواندند و می دیدند که همواره از آنان به خوبی یاد می شود و سرزمین های آباد و شهرهایشان ثروتمند

است ... آن روش را نیک شمرده، بدان راغب می‌شدند و بر آن پای می‌فشرده و هرچه را از اخلاف آن رفتار بود رها می‌کردند.^{۱۱}

بی‌گمان ابن‌اثیر و دیگران که به نوشتن تاریخ اشتغال داشتند، از کتب ایرانیان بهره‌جسته‌اند و ازدیدگاه اخلاق بدان نگریسته، که *خدای‌نامه* یکی از این متون است، به‌طوری‌که جنبهٔ عبرت‌آموزی و پندواندرز آن موردتوجه واقع گشت و سرلوحهٔ مورخان قرار گرفت، تا آنان هم به‌نوبهٔ خویش آثار برجسته‌ای پدید آورند.

باین‌وجود در متون پهلوی آن اشتباهات و نقصان فراوان سبب شد تا مطالب مختلفی از کتب دیگر بدان راه یابد، علاوه‌براین بی‌مبالاتی نساخ، اشکال خط پهلوی نیز بر این نقایص افزود، به‌طوری‌که موسی بن عیسی‌الکسروی، که متن او یکی از مآخذ حمزهٔ اصفهانی بود، نتوانست از میان نسخه‌ها دو نمونه را موافق هم پیدا کند. حمزه گوید:

«موسی بن عیسی‌الکسروی گفت که من در کتاب موسوم به *خدای‌نامه* نظر کردم و این همان است که پس از نقل به زبان عرب به کتاب *تاریخ الملوک الفرس* معروف شد، در آن چندبار نگریستم و تحقیقی دقیق به‌جای آوردم، در نتیجه نساخ را چنان یافتم که حتی دو نسخه را با یک‌دیگر همسان نبودند و دلیل این اشتباه ناقلان می‌باشند.»^{۱۲}

درجای دیگر از قول بهرام بن مردانشاه، موبد شهر شاپور چنین می‌گوید: «من بیست‌و‌اند نسخه از کتاب معروف *خدای‌نامه* را گردآوردم، تا مگر از روی آن‌ها تواریخ ملوک ایران را از روزگار کیومرث، نخستین بشر تا آخر روزگار عجم و انتقال پادشاهی از آنان به عرب اصلاح کنم.»^{۱۳}

بیرونی نیز در شرح داستان کیومرث می‌نویسد:

«ابوعلی محمد بن احمد بلخی، شاعر داستان، خلق انسان را در شاهنامه خویش به‌صورتی غیرازآنچه ما نقل کردیم بیان نموده و گفتار خود را، به‌قول خویش، از روی سیر الملوک عبدالله بن مقفع و سیر الملوک محمد بن الجهم



البرمکی و هشام بن القاسم و بهرام بن مردانشاه، موبد شاپور و بهرام بن مهران
الاصفهانی تصحیح کرد و آن‌گاه آن را با آنچه بهرام الهروی الجموس آورده
مقابلہ نموده است.^{۱۴}

حمزۀ اصفهانی نیز در اثر خویش، با نام *سنی الملوک و الارض الانبیاء*، بنابر
تشخیص خود از سیر الملوک ابن مقفع، محمد بن الجهم البرمکی و زادویه بن
شاهویه اصفهانی، که متن *خدای نامگ* را تا اندازه‌ای از روی صحت بیان کرده‌اند
بهره برد، و از مترجمانی که مؤلف و خوشه‌چین بودند، همانند محمد بن مطیار
الاصفهانی و هشام بن قاسم اصفهانی و همچنین مصنفانی، چون موسی بن
عیسی الکسروی و بهرام بن مردانشاه (موبد شاپور) استفاده کرد.^{۱۵} درهرحال
چنان‌که تنودور نلدکه^{۱۶} در شروخی که بر ترجمۀ *تاریخ طبری*، قسمت ساسانیان
نوشته، مکرر اثبات کرده‌است که در کتاب *خدای نامگ* بیشتر قضاوت‌ها که
نسبت به خصال و اعمال پادشاهان ساسانی شده، بنابر سلیقه و میل طبقه عالیه
نجبا و روحانیون زرتشتی بوده‌است، تا از این طریق بر شوکت و منزلت آنان
بیافزاید و خود در سایه آن خواسته‌های خویش را به مردم تحمیل کند.^{۱۷}

دیگر سرایندگان و نویسندگان که از *خدای نامگ* بهره بردند عبارتند از: مسعود
مروزی، نخستین شاعری که تاریخ ایران را از زمان کیومرث تا یزدگرد سوم به
شعر درآورد؛ ابوالمؤید بلخی، شاعر عصر سامانی که تاریخ پهلوانی و اساطیری را
به نثر نوشت؛ ابوعلی بلخی و *شاهنامه* منثور ابومنصوری و ابومنصور دقیقی و
حکیم ابوالقاسم فردوسی که نلدکه عقیده دارد روایت فردوسی در *شاهنامه*،
ترجمۀ منثور *خدای نامه* بوده، که مستقلاً به زبان پارسی درآمد و ارتباطی به ترجمۀ ابن
مقفع نداشته‌است.^{۱۸} بنابراین اشعار این شاعر گران قدر یکی از شواهد این نظریه است.
در نهایت *خدای نامگ* از مهم‌ترین آثار درزمینه فرهنگ و ادب ایرانیان به‌شمار می‌رود،
که در دوران اسلامی مورد توجه مسلمین قرار گرفت و از آن بهره بردند.

تاج‌نامک

در این کتاب به مسائل و امورات پادشاهان از قبیل، فعالیت‌های عمومی یا زندگی خصوصی آنان، منشورها، رساله‌ها، نامه‌های سیاسی، سخنان حکیمانه آن‌ها پرداخته شده‌است، و تعالیمی که شاهان برای فرزندان خویش داشتند و سخنانی که به رعایا، درباریان و کارگزاران خود گفته‌اند نقل شده، به طوری که ابن قتیبه می‌گوید:

«در تاج‌نامه شاهی خواندم که همت مردمان اندک می‌باشد و همت شاهان بلند، فکر ایشان درگیر کارهای بزرگ است و از آن مردم کوی و بازار گرفتار امور ناچیز، نادانان در نهایت آسایشی که دارند کوتاهی‌های خود را عذر آوردند و شاه در انبوه دشواری‌ها خود را معذور نداند. پس خداوند سلطان خود را عزیز می‌دارد، راهش می‌نماید و یاری اش می‌نماید.»^{۱۹}

و در جای دیگر می‌نویسد:

«در کتاب التاج خواندم: خسرو پرویز در حالی که در حبس پسرش، شیرویه بود، به او گفت: سپاه خود را هرگز در فراخی مگذار، که از تو بی‌نیاز شوند و به ایشان بسیار تنگ مگیر که روی از تو بگردانند، به اعتدال بر آنان بخشش کن و به ظرافت از ایشان جلوگیری.»^{۲۰}

بدین ترتیب این اثر شامل اندرزهایی از انوشیروان و خسرو پرویز است. در *الفهرست ابن الندیم*، *عیون الاخبار* ابن قتیبه دینوری از آن نام برده شده‌است. جاحظ نیز کتابی با نام *التاج فی الخلاق الملوک* دارد و در باب طبقات و درجات دربار ساسانی مطالبی را بیان کرده و آن را شرح می‌دهد. ابن مقفع هم در *التاج فی سیرت انوشیروان* به مسائل حکومتی می‌پردازد.

آئین‌نامک

آئین‌نامک معنای مبسوطی دارد و مجموعه‌ای از آئین و آداب نبرد، لشکرکشی، تیراندازی، چوگان‌بازی، پیش‌گویی و اندرزهای شاهان را شامل می‌شود. این



کتاب بنابه گفته مسعودی در *التنبیه و الاشراف* چند هزار صفحه بوده و نسخه کامل آن در نزد موبدان و سایر اشخاص قدرتمند قرار داشت.^{۲۱}

قسمت‌هایی از این اثر در *نامه تنسر*، کتاب *حمزه*، *جوامع الحکایات عوفی* منعکس شده است. آئین نامه توسط ابن مقفع ترجمه شد. ابن قتیبه در *عیون الاخبار*، مسعودی در *مروج الذهب و ثعالبی* در *غرر الاخبار و الملوک الفرس و سیرهم* آن را شرح دادند؛ به‌رحال کتاب نام‌برده اطلاعات و خصوصیات جالبی از تشکیلات دولت ساسانی، و قبل از آن رموز جهان‌داری و جنگاوری و اندرزها ارائه می‌دهد.

گاهنامک

شامل فهرستی در حدود ششصد مراتب از نام و مناصب بزرگان و طبقات فارس و شهرداران به ترتیب مقامشان است. مطالبی از این کتاب در تألیفات یعقوبی، مسعودی و جاحظ دیده می‌شود؛ مسعودی در *التنبیه و الاشراف* می‌گوید: «پارسیان را کتابی است که آن را *گهنامه* گویند و در آن مراتب دولتی ایرانیان ثبت و عدد آن مراتب ششصد بود. این منبع جزو *آئین‌نامه* به‌شمار می‌رود و معنای آن کتاب رسوم است، و در نزد موبدان و بزرگان ایرانی یافت می‌شود».^{۲۲}

ابن قتیبه دینوری قسمتی از مطالب آن را تحت عنوان «آداب الفروسه»، و بخش بزرگی را در فصل «مذاهب العجم فی العیافه و الاستدلال بها» آورده و نام کتاب را همه‌جا آئین نگاشته است؛ ثعالبی و مسعودی از این منبع بهره برده‌اند.

کارنامه اردشیر بابکان

داستان‌های شیرین و تاریخی دارد و حالات بنیان‌گذار سلسله ساسانی، اردشیر اول، را بیان می‌کند و ۵۶۰۰ واژه^{۲۳} را داراست و نمونه‌ای از وقایع‌نگاری عصر خود به‌شمار می‌رود و ترجمه آن در *شاهنامه* فردوسی نیز آمده است. مطالب آن بر وضعیت ایران پس از درگذشت اسکندر و چگونگی تأسیس حکومت ساسانی، توسط اردشیر بابکان دلالت دارد و نیز اطلاعات پرارزشی درباره پیدایش ملوک الطوایفی در ایران‌شهر بیان می‌کند و آتشکده‌های مقدس آن دوران را شرح

می‌دهد. مسعودی در وصف آن گوید: «اردشیر بابک کتابی دارد به نام *کارنامه* و در این اثر اخبار و جنگ‌ها و جهان‌گیری خویش را آورده و اطرافیان خود را نصیحت نموده و آنان را پند داده‌است و دین و حوادث را قرین یک‌دیگر می‌داند و بر لزوم آن تاکید می‌نماید...»^{۲۴}

باین‌وجود روی‌دادهای تاریخی غالباً با مطالب خیالی توأم شده‌است؛ در این‌زمینه به‌ویژه می‌توان از افسانه *مار و اژدها* نام برد که اردشیر با آنان پیکار کرد و پیروز گشت و همه گنجیه‌هایی را که مار نگهبان آن بود به‌دست آورد.^{۲۵}

در *کارنامه* از سه پادشاه ساسانی؛ اردشیر بابکان، شاپور اول و هرمز اول سخن رفته‌است. چنین به‌نظر می‌رسد که تدوین کتاب در روزگار هرمز اول به‌انجام رسیده‌باشد، ولی نمی‌توان پذیرفت که این روایت از سده سوم میلادی برجای مانده، زیرا در متن اشتباه‌های تاریخی مشهود است، به‌عنوان‌نمونه از خاقان ترک صحبت شده، حال‌آن‌که ترکان از اواسط سده ششم میلادی در مرزهای ایران پدیدار شدند. برخی از محققین نگارش کتاب را در روزگار خسرو پرویز دانسته‌اند، اما احتمال می‌رود در دوران متأخر ساسانیان با تجدیدنظرهایی همراه بوده باشد. در این قسمت بخشی از اثر نام‌برده را نقل می‌کنیم:

«... سپس اردشیر بر گاه (تخت) اردوان نشست و داد گسترد و بزرگان و سپهسالار و موبد موبدان را پیش خواسته، فرمود: من در این پادشاهی بزرگ که یزدان به من داده، نیکویی می‌کنم، داد می‌ورزم، دین بهی و پاک را می‌آرایم، جهانیان را به آئین فرزندان می‌پرورم، سپاس یزدان آفریدگار و برتر و افزاینده شما، که خشنود هستید بر من؛ به نیکی و بی‌گمانی بیاندیشید، من هم نیکی شما را می‌خواهم و در دادگستری می‌کوشم. ساووباج ده یک از شما گرفته، از آن مال که خواسته، سپاه می‌آرایم تا پاسبانی جهانیان بکنم. از هر یک‌صد درهم شش درهم و از هرگونه روغن‌ها، بدین‌سان داد می‌کنم، از خرید و فروش بازرگانان هیچ نگیرم، بر یزدان سپاس‌گزاری می‌کنم که این پادشاهی به من عطا فرمود، کارهای نیک انجام می‌دهم و از بداندیشی و بدکرداری بسیاری می‌پرهیزم تا به‌آرامی انوشه روان باد، شاهنشاه اردشیر بابکان که این اندرز بیان نموده‌است.»^{۲۶}



بنابراین از مطالعه متن *کارنامه* چنین استنباط می‌شود که اردشیر در هنگام جلوس خود را دادگستر جلوه می‌دهد و عدالت را سرلوحه کار خویش قرار می‌دهد و فرمان‌روایان را به دادگری، ژرف‌اندیشی در کارها و انصاف با مردم فرامی‌خواند و به هم‌نشینی با اهل فضل دعوت می‌کند.^{۲۷}

بدین ترتیب با وجود جهات منفی و افسانه‌ای *کارنامه* که پیش‌ازین گذشت، کتاب به‌طور عمده مطالب ارزشمندی را دربردارد و از دیدگاه پژوهشگران گران‌بهاست. واژه‌های *کارنامه* از جهات مختلفی با واژه‌های پهلوی در اوایل سده‌های میانه منطبق است، این نیز موجب می‌شود تا کتاب مذکور با دقت موردتفحص قرار گیرد.

خسرو کوادان اودریدگی (خسرو پسر قباد و یک غلام) محتوای کتاب چنین است: جوانی از خاندان نجبا برای خسرو حکایت کرد که پدرش را ازدست داده، تهی‌دست گشته و یگانه پسر مادرش می‌باشد، در رشته‌های گوناگون؛ دین، ادب، موسیقی و ... تبحر دارد، سپس از پادشاه تقاضا کرد تا او را آزمایش کند، پس به سؤالات شاه پاسخ صحیح گفت و موردتوجه وی واقع گشت. بعد بنابه درخواست شاهنشاه به شکار دو شیر رفت و آنان را اسیر کرد و به فرمان‌روایی ایالتی منسوب شد.^{۲۸} علاوه‌براین، از منابع مهم این عصر به‌شمار می‌رود و اطلاعات گران‌بهایی درباره فرآورده‌های ایران در دوران ساسانیان ارائه داده و به اواخر قرن ششم میلادی تعلق دارد.

ب: مجموعه‌های حقوقی، اجتماعی و فرهنگی تاریخ ایران

در روزگار ساسانیان آثاری پدید آمد که حقوق و مسائل اجتماعی افراد را دربرداشت و رابطه مردمان را براساس یک نظام اجتماعی خاص مشخص کرده بود. از میان تألیفات متعدد، اوستا و زند از منابع حقوقی عهد ساسانی شمرده می‌شود، در این بین *مادیان‌ای هزار دادستان*،^{۲۹} (قانون مدنی پارسیان یا گزارش هزار فتوای قضایی) جایگاه ارزنده‌ای دارد که هفتادوپنج ورق را دربرمی‌گیرد و فرخ‌مرد نامی آن را نگاشت. در این اثر به حقوق مالی و خانوادگی، ازدواج، وضع بردگان، سوگند، بخشش، ضمانت از بدهکاران

و طرفین معاملات، سازمان دادگاه‌ها و غیره پرداخته شده‌است؛ همچنین اسامی چند تن از قضات آن دوره با نظر قضایی هریک آمده‌است. پژوهشگران زمان نگارش کتاب را آغاز سده هفتم میلادی ذکر کرده‌اند.^{۳۰}

دستوران^{۳۱} نیز از منابع قضایی به‌شمار می‌رود که در آغاز به زبان پهلوی بود، اما مترجم عیسوی آن را تغییر داد و با اوضاع و احوال هم‌کیشان خویش سازگار کرد، باین‌وجود به زبان سریانی مکتوب است.^{۳۲}

از این مسائل که بگذریم باید بدین نکته اشاره کرد که در کنار متون قضایی، آثار اجتماعی دیگری نیز هست که از ارزش و اعتبار ویژه‌ای بهره‌مند است. یادگار *زریران* از آن جمله است که بر نبرد دینی بین زریر، برادر ویشناسب شاه، فرمانده سپاه ایران و ارجاسب، پادشاه خیون دلالت دارد. شاهنشاه خیون قصد داشت با بیست‌هزار نفر سرباز، ایرانیان را از پرستش آئین زرتشت برهاند، در نتیجه میان فریقین ستیز روی می‌دهد، زریر در آن گیرودار کشته شد و پسرش، بستور، به میدان می‌رود و باکمک اسپندیات، یکی از سران سپاه، عده زیادی از سپاهیان دشمن را نابود می‌کند، سردار سپاه یک پا و یک گوش ارجاسب را قطع کرده و او را با خواری به کشورش بازمی‌گرداند، تا یادگاری از دلیری دلاوران ایرانشهر باشد. بخشی از این اثر شیوا، که نمونه عالی‌ترین آثار حماسی پیش از اسلام است، بدین شرح نقل می‌شود:

«... سپهد تهم، زریر به کارزار آمد، همچون ایزد آذر که به نیستان افتد و باد با او یار بود، چون شمشیر فراز آمد و آن‌گاه که باز برد، ده خیون بکشد، چون به گرسنگی و تشنگی خون خیون ببیند، بدان خرسند و سیر شود، ارجاسب چون چنان دید بترسید و بانگ برآورد: کیست که شود با زریر کوشد و آن سپهد را بکشد، تا دخت خود «زرتان» را به زنی بدو دهم که اندر همه کشور از او هژیرتر نیست و او را وزیر خویش کنم، چه اگر زریر زنده بماند، دیر بر نمی‌آید که از ما خیونان هیچ‌کس زنده نماند. پس ویدرفش جادو، بر پای ایستاد و فرمان داد که اسب زین کنند و بر اسب نشست، آن ژوبین جادوی به خشم و زهر ساخته



راه بر سر دست گرفت و اندر رزم دوید و چون دید که زریر آن‌گونه کارزار کند، پیش او فراز نشد و از پس او برجست و ژوبین زهر آب‌دار را زیر شمشیربند، بالای کستی به پشت وی زد، به دل بگذشت و به زمین افکند، آن‌گاه فرونشست پرشن (پرش) کمان‌ها و بانگ تک مردان (گردان).

ویشناسب‌شاه که از فراز کوه بر میدان خصم می‌نگریست، دریافت که زریر کشته شد. بانگ آورد گمان می‌برم که از ما، زریر مقتول گشت، چه پرشن کمان‌ها و بانگ تک مردان اکنون بر نمی‌آید. کیست که شود و کین زریر من خواهد. تا هم‌ماک، دخت خویش را به زنی بدو دهم که اندر همه کشور هژیرتر نیست و کاخ زریر و سپهدی به او عطا کنم. از پهلوانان ایران تنها بستور (نستور)، پسر خردسال زریر به کین‌جویی برخاست و چنین گفت: رزم ایران بینم و اینکه آن سپهد دلیر، پدر من زنده است یا مرده پیش خدایگان بازگویم...»^{۳۳}

اثر نام‌برده سه‌هزار واژه دارد و نلدکه آن را به سال ۵۰۰ م. مربوط می‌داند، اما پروفیسور بن ونیست، خاور شناس عالی‌قدر فرانسوی، اصل کتاب را به پیش از قرن سوم میلادی می‌رساند و به روزگار اشکانیان مرتبط می‌سازد. یادگار زیران پس از یشت‌ها و دیگر قطعات داستانی اوستا، مقدم‌ترین تألیف به اساطیر قدیم است. مندرجات همین نامه مورد استفاده شاهنامه‌سرای معروف، دقیقی قرار گرفته بود. نخستین ترجمه کتاب در سال ۱۸۹۰ م. توسط گیگر^{۳۴} به زبان آلمانی انجام پذیرفت و نلدکه^{۳۵} در مطالعات ایرانی خویش از آن بهره جست. پالیارو^{۳۶} ایتالیایی نیز با اصلاحاتی ترجمه کرد و به سال ۱۹۲۵ م. منتشر ساخت. بعدها پروفیسور بن ونیست^{۳۷} بار دیگر آن را با توجه به شعر بودن، با تغییراتی که صورت اشعارش آشکار شود چاپ کرد. ترجمه فارسی نیز توسط ملک‌الشعراى بهار در مجله آموزش و پرورش انتشار یافت. اثر دیگر شهرستان‌های ایران نام دارد که در آن به یکصدوده شهر پرداخته شده و آخرین آن‌ها بغداد است. این شهر را ابوجعفر منصور، خلیفه عباسی (۱۵۸-۱۳۶ ه.ق) بنا نهاد، لیکن دیگر شهرها را شاهان ساسانی احداث کردند. در این کتاب مطالب بسیاری در باب داستان‌های ایران قدیم به دست می‌آید، مانند بنای

سمرقند توسط سیاوش و زادن خسرو، افسانه‌های جم و اژی‌دهاک، فریدون و لهراسب و گشتاسب و افراسیاب گجستک (معلون)، همچنین به ساختن شهرهای نوازک در بلخ و بنای شهر طوس اشاره می‌کند.^{۳۸}

بنابراین اساس و ریشه داستان‌های حماسی ایرانیان اهمیت دارد. گروهی از خاورشناسان زمان نگارش این رساله را سده هشتم و آغاز سده نهم میلادی ذکر کردند. اولین بار بلوشه^{۳۹} در سال ۱۸۹۵م. آنرا به طبع رساند، بعدها شرق‌شناسان دیگر نیز آن را انتشار دادند.

در نهایت اثر مذکور موقعیت شهرهای ایران‌شهر را مشخص کرده و از لحاظ جغرافیایی مؤثر است. باین حال تمام محتویات آن ارزش یکسان ندارد و در جنب حقایق درست، اطلاعات غیرموثق هم هست. تعیین محل بسیاری از شهرها دشوار است، باین همه از منابع معتبر به‌شمار می‌رود.

روایات پهلوی نیز از متون مهم این روزگار به‌شمار می‌رود، که ۲۶۰۰ کلمه را شامل می‌شود؛ برخی از روی داده‌های در آن باب داستان‌های قدیم، همانند گرشاسب و جم باقی مانده‌است،^{۴۰} کتاب عجایب سرزمین سکستان هم از آثار برجسته ساسانیان شمرده می‌شود و آن را در ردیف متون حماسی و حتی جغرافیایی قرار می‌دهند. این سرزمین به زبان پهلوی سگسران،^{۴۱} به معنای سران سک - سران سگستان بوده‌است و در روایات پناهگاه ایرج، پسر فریدون و محل نشوونمای دین زرتشت به وسیله گشتاسب و مکان ملاقات وی با این پیامبر بوده‌است.^{۴۲} در کنار این کتب، فرهنگ پهلویگ اعتبار ویژه‌ای دارد و یک‌هزار و سیصد لغت پهلوی را بر حسب موضوع آن‌ها بادقت دسته‌بندی کرده و در هریک از بخش‌های آن نام‌هایی از طبیعت، زمین و قاره‌ها، دریاها، دریاچه‌ها، میوه‌ها، خوراکی‌ها، سبزی‌ها، جانوران، پرندگان، اندام‌های بدن، درجات و مناصب و مشاغل، سلاح‌ها، هنر نوشتن، اسامی ماه‌ها و فلزات آمده‌است.^{۴۳}



دانشمند آشورشناس، به نام اریش ابلینگ^{۴۴} از اهالی برلین، همت گماشت تا شاید ریشهٔ هزوارش‌های سامی را در آن بیابد و هریک را برحسب منشأ معلوم گرداند؛ باید توجه داشت که در این لغت‌نامه واژگان پهلوی همراه با هزوارش ذکر شده‌است. **چترنگ نامک یا کتاب شطرنج**، از جمله آثار این دوران بود؛ در این اثر چنین آمده که (دیوشرام) پادشاه هندوان شطرنج را با هدایایی نزد انوشیروان فرستاد و از او خواست چگونگی آن را کشف کند یا باجی بپردازد. بزرگ‌مهر، وزیر دانشمند وی رمز شطرنج را گشود و درمقابل نرد را اختراع کرد و با هدایایی با همان شرایط نزد شاه هند ارسال کرد، که پس از چهل روز از حل آن درماندند و به‌ناچار مجبور به پرداخت خراج شدند. این اثر هفتصدو دو کلمه دارد و در سال ۱۸۸۵ م. به‌دست پشتون به‌دستور بهرام جی سنجایا چاپ شد.^{۴۵}

در میان متون پهلوی عصر ساسانی شعر از جایگاه رفیعی بهره‌مند است، از جمله آثار منظوم می‌توان به کتیبهٔ شاپور اول در حاجی‌آباد، یادگار زریران که شرح آن گذشت و رسالهٔ درخت آسوریک اشاره کرد. این اثر دربرگیرندهٔ اشعاری با مصراع‌های شش و یازده هجایی است و آن مناظرهٔ درخت نخلی است، که در آشور روئیده، با یک بز؛ دربارهٔ اینکه چه کسی از آن‌ها مفیدتر است. بخش‌هایی از این کتاب وجود دارد که چند بیت از آن را برای نمونه بیان می‌کنیم:

«درختی روئیده و رای شهرستان آسوریک

بن‌اش خشک و سر او تر است

برگ‌اش به نی ماند و برش انگور

شیرین بار آورد

مردمان ببین من آن درخت بلندم

بز بر من بیرون می‌آید و رقابت

می‌کند که من از تو برترم به بس گونه چیز

مرا به زمین خونیرث (اقلیم چهارم) درختی نیست هم من

چه شاه از من تناول کند چون تو آورم بار
تخمه کشتی‌ها هستم و دکل بادبان‌ها

(جاروب از من کنند که ورازند مهن زمان (خان و مان)»^{۴۶}

بدین ترتیب در روزگار ساسانیان اشعار هجایی و عروضی رایج بود؛ گویند بهرام گور در مقام نشاط و موقع انبساط این کلمات موزون را به لفظ راند: منم آن شیر گله منم آن پیل یله، نام بهرام گور و کنیتم بوجبله...، این شعر در آثار ثعالبی و المسالک و الممالک ابن خردادبه بیان شده است. جلال‌الدین همایی نیز نمونه‌ای از شعر پهلوی را در تألیف خویش این چنین نقل می‌کند:

«کی چندانمی اندری

چندی کی دستی نیوی است

هان پاژی پداین درکی

ایونها اژی و تیری

اوهان پندانمی ایواستی

پس کی تیری اوهان چیداغ

اوگندی اری دستی نیو»^{۴۷}

یعنی مردی که این بنا به سمت مغرب بنا کرده و دستش نیکوست، پا در این دره نهاده و تیر به جانب این بنا انداخت. پس مردی که تیر به سوی بنا افکند دستش نیکوست.

در حال ادبیات پهلوی از ارکان مهم داستان‌سرایی و افسانه‌پردازی به‌شمار می‌رود و این ذوق که در بین اغلب شعرای بزرگ ایران است دنباله همان قریحه و شوق ادبای ایرانشهر در زمان ساسانیان است. داستان‌های معروف ما، از قبیل *سلامان و ابسال*، *ویس و رامین*، *شیرین و فرهاد*، *بهرام‌نامه*، *حکایات کوچک شاهنامه*، *گرشاسب‌نامه*، *برزنامه*، *بهم‌نامه*، *سام‌نامه*، *رستم‌نامه* یا در زبان پهلوی بوده، یا اینکه از یونانی و سریانی و غیره بدین زبان ترجمه شده و به پارسی درآمده است.



با این وجود بیشتر ادبیات پهلوی در مغرب ایران پدیدار گشت و مروج آن دبیران و روشن‌فکران بودند که بعدها راه را برای کتاب اسلامی گشودند.

در نهایت سخن خود را با بیان ویژگی‌های نثر ساسانی خاتمه می‌دهیم، نثر این دوره بنابه آثاری که ذکر شد، خصوصیات گوناگونی دارد که عبارت‌است از:

۱- استفاده از جملات کوتاه و تعبیرات فشرده، پرهیز از به‌کارگیری جمله‌های معترضه و طولانی و کلمات مترادف،

۲- تکرار فعل‌ها، کلمه‌ها و گهگاه جمله‌ها،

۳- بیان اجمالی یک اندیشه در ابتدای کلام و سپس توضیح و تفصیل جزئیات (گاه برای این منظور از اعداد استفاده شده‌است)،

۴- تکرار (واو) عطف و ادات شرط و پرهیز از حذف فعل‌ها،

۵- آوردن حکایت‌های کوتاه و استناد به گفته‌های پیشینیان به منظور اقناع خواننده و دستیابی به هدف نهایی مورد نظر.^{۴۸}

بدین ترتیب در متون این دوره علاوه بر ویژگی‌های یادشده به مسائل اخلاقی همچون سرشت‌ها، قناعت و فروتنی، بردباری، دوراندیشی، شکیبایی، ریا، آزمندی، مشورت و غیره اشاره شده، به‌همین سبب آثار پهلوی را بارور کرده‌است، به‌طوری‌که نویسندگان مسلمان از آن بهره جستند؛ و با ترجمه این کتب، فرهنگ و تمدن ایران‌زمین را به خلفای اسلامی تحمیل کردند تا آنان با مطالعه این متون بتوانند از تجربیات ایران در امر حکومت بهره ببرند.

نتیجه‌گیری

با نگاه به فرهنگ و تمدن ایران در روزگار ساسانیان، چنین استنباط می‌شود که زبان و ادبیات پهلوی جایگاه ویژه‌ای داشته‌است و بزرگان آن دوران با تألیفات خویش دربارهٔ مسائل گوناگون به امورات کشور، در ابعاد سیاسی و اجتماعی، پرداخته‌اند و آثاری همچون *خودای‌نامک*، *تاج‌نامک*، *آئین‌نامک* را پدید آوردند و

با تألیف مجموعه‌های حقوقی، اجتماعی و فرهنگی، روابط مردمان را براساس یک نظام اجتماعی خاص مشخص کرده‌اند.

در حال با مطالعه متون پهلوی می‌توان به اهمیت مسائل اخلاقی همانند سرشت‌ها، قناعت و فروتنی، بردباری، دوراندیشی، شکیبایی، ریا، آزمندی و مشورت پی‌برد، بدین ترتیب تاریخ و ادبیات ایران زمین فرهنگ والای ساکنان این خطه کهن را به اثبات می‌رساند.

در نهایت ادبیات پهلوی در مسائل غیرمذهبی با داستان‌سرایی و افسانه‌پردازی همراه است. باین وجود مطالب ارزشمندی را ارائه می‌دهد که در جای خود می‌تواند مفید واقع شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پی نوشت ها

- ۱- کریستین سن، آرتور: *ایران در زمان ساسانیان*، ص ۶۹.
- ۲- همان، ص ۹۵.
- ۳- عروزی، احمد: *چهار مقاله*، ص ۲۵.
- ۴- خوارزمی، ابو عبدالله: *مفاتیح العلوم*، ص ۱۷.
- ۵- عبدالله بن مسلم، بن قتیبه: *عیون الاخبار*، ج ۱، ص ۴۲.
- ۶- اوزوارشن از مصدر اوزوارتن به معنای بیان کردن و تفسیر نمودن است.
- ۷- جاحظ، ابو عثمان: *البيان والتبيين*، ص ۴.

۸- Xvatai-Namag.

- ۹- صفا، ذبیح الله: *حماسه سرایی در ایران از قدیمی ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری*، ص ۶۶.
- ۱۰- همان، ص ۶۷.
- ۱۱- ابن اثیر عزالدین: *الکامل فی التاریخ*، ج ۱، ص ۱۲.
- ۱۲- اصفهانی، حمزه: *سنی الملوک و الارض الانبیاء*، ص ۱۷ و ۱۶.
- ۱۳- همان، ص ۲۴.
- ۱۴- بیرونی، ابوریحان: *آثار الباقیه عن القرون الخالیه*، ص ۹۹.
- ۱۵- کریستن سن، آرتور: *همان*، ص ۳۸.

۱۶- Noldeke.

- ۱۷- نلدکه، تئودور: *تاریخ ایرانیان و اعراب در زمان ساسانیان*، ص ۳۹.
- ۱۸- همان، ص ۵۲.
- ۱۹- عبدالله بن مسلم، بن قتیبه: *همان*، ج ۱، ص ۵۱.
- ۲۰- همان، ص ۱۱.
- ۲۱- مسعودی، ابوالحسن: *التنبیه و الاشراف*، ص ۱۰۴.
- ۲۲- همان، ص ۱۰۴.
- ۲۳- بن الندیم، محمد بن اسحاق: *الفهرست*، ص ۳۵.
- ۲۴- مسعودی، ابوالحسن: *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ج ۱، ص ۲۴۳.
- ۲۵- ن، پیگولوسکایا: *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ص ۱۶۵.

۲۶- کارنامه اردشیر بابکان، به تصحیح بهرام فره‌وشی، ص ۳۰.

۲۷- همان، ص ۷۸.

۲۸- بیات، عزیزالله: شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران از آغاز تا سلسله صفویه، ص ۶۱.

۲۹- Madian.A.Hezardadestan.

۳۰- کریستن سن، آرتور: ایران در زمان ساسانیان، ص ۳۶ و ۳۵.

۳۱- Dastwara

۳۲- همان، ص ۳۶.

۳۳- یادگار زیریران (متن پهلوی)، ص ۲۳.

۳۴- Giger: Dasytkar-izariran undsinver-haltniszumshah-nam: 1890,p.71.

۳۵- Noldke: persich studien, bd.cxx,Woien: 1892,p.87

۳۶- A.Pagliari,A:Ntesto pahlavico Ayatkarzariran,roma: 1925,p.96.

۳۷- E.Benveniste,Lememorialdezarer,journal Aziatique: 1932,p.102.

۳۸- صفا، ذبیح الله: همان ص ۵۰ و ۵۱.

۳۹- E.Bloch.

۴۰- همان، ص ۵۴.

۴۱- Sagesaran.

۴۲- همان، ص ۴۵.

۴۳- ریپکا، یان و دیگران: تاریخ ادبیات ایران، ص ۱۱۵.

۴۴- ErichEbling.

۴۵- کریستن سن، آرتور: همان، ص ۳۷.

۴۶- بهار، مهرداد: پژوهش در اساطیر ایران، ص ۹۲.

۴۷- همایی، جلال‌الدین: تاریخ ادبیات ایران از قدیمی‌ترین عصر تاریخی تا عصر حاضر،

ج ۱، ص ۱۸۲.

۴۸- فریور، حسین: تاریخ ادبیات ایران، ص ۷۲.



منابع

- ابن اثیر، عزالدین: *الکامل فی التاریخ*، ترجمه از عباس خلیلی، به‌اهتمام سادات ناصری، تصحیح مهیاد خلیلی، ج ۱، تهران: موسسه مطبوعاتی - علمی، بی تا.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم: *عیون الاخبار*، ج ۱، قاهره: دارالکتب المصریه، ۱۹۵۲.
- ابن الندیم، محمد بن اسحاق: *الفهرست*، ترجمه و تحقیق از محمدرضا تجدد، تهران: امیرکبیر، چ ۳، ۱۳۶۶.
- اصفهانی، حمزه: *سنی الملوک و الارض النبیا*، ترجمه از جعفر شعار، تهران: امیرکبیر، چ ۲، ۱۳۶۷.
- بهار، مهرداد: *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران: آگه، چ ۳، ۱۳۷۸.
- بیات، عزیزالله: *شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران از آغاز تا سلسله صفویه*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۷.
- بیرونی، ابوریحان: *آثار الباقیه عن القرون الخالیه*، ترجمه از اکبر داناسرشت، تهران: امیرکبیر، چ ۳، ۱۳۶۳.
- پیگولوسکایا، ن: *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه از عنایت‌الله رضا، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
- جاحظ، ابوعثمان: *البیان و التبیین*، ج ۳، بیروت: دارالفکر للجمع، ۱۹۶۸.
- خوارزمی، ابو عبدالله: *مفاتیح العلوم*، ترجمه حسین خدیو جم، تهران: علمی و فرهنگی، چ ۲، ۱۳۶۲.
- ریپکا، یان و دیگران: *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران: گوتنبرگ و جاویدان خرد، ۱۳۷۰.
- صفا، ذبیح‌الله: *حماسه‌سرایی در ایران از قدیمی‌ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری*، تهران: امیرکبیر، چ ۵، ۱۳۶۹.

- عروضی، احمد: *چهارمقاله*، به اهتمام محمد معین، تهران: ۱۳۳۳.
- فریور، حسین: *تاریخ ادبیات ایران*، تهران: چاپخانه اطلاعات، چ ۱۲، ۱۳۴۲.
- *کارنامه اردشیر بابکان*، تصحیح بهرام فره‌وشی، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران: چ ۳، ۱۳۸۲.
- کریستن سن، آرتور: *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه از رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر، ۱۳۷۸.
- مسعودی، ابوالحسن: *التنبیه و الاشراف*، ترجمه از ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی، چ ۲، ۱۳۶۵.
- _____: *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه از ابوالقاسم پاینده، ج ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.
- نلدکه، تئودور: *تاریخ ایرانیان و اعراب در زمان ساسانیان*، ترجمه از عباس زریاب، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ ۲، ۱۳۷۸.
- همایی، جلال‌الدین: *تاریخ ادبیات ایران از قدیمی‌ترین عصر تاریخی تا عصر حاضر*، ج ۱، تهران: کتاب فروشی فروغی، چ ۳، ۱۳۴۰.
- *یادگار زریران (متن پهلوی)*، ترجمه سعید عریان، تهران: بی نا، ۱۳۷۷.
- Benveniste, E: *Lememorialdezarar*, journal Aziatique, 1932.
- Geiger: *Dasyatkar-zariran undseinver-haltniszum shah-nan*, 1890.
- Noldke: *persich studien*, bd, cxx, wien, 1892.
- Pagliaro, A: *Ntesto pahlavico Ayatkar izariran* , Roma , 1925.